

جایگاه گازپروم در راهبرد انرژی روسیه

عبدالله رمضانزاده*

استادیار و عضو هیئت علمی گروه روابط بین‌الملل دانشگاه تهران

سید حمید حسینی

کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۹/۸ - تاریخ تصویب ۸۹/۴/۵)

چکیده

روسیه جدید با استفاده از انرژی به عنوان یک سلاح در پی بازسازی امپراتوری خود است. از سال ۲۰۰۴ یک مدل اقتصادی توسط دولت روسیه اعلام شده است. این مدل "عقلایی شدن"^۱ نامگذاری شده و توسط دولت پوتین به مرحله اجرا در آمده است. کارشناسان معتقدند این نوع جدیدی از سرمایه داری دولتی است که توسط دولت روسیه اجرا می‌شود. گسترش مالکیت دولتی به ویژه صنعت نفت را در بر می‌گیرد که با مصادره اموال شرکت یوکوس^۲ و خرید شرکت سیب نفت^۳ توسط گازپروم، گسترش یافت. دولت روسیه شرکت‌های خارجی را از خرید هر نوع سهام در صنعت انرژی این کشور منع کرده و این امکان را برای شرکت گازپروم فراهم کرده است تا با خرید و کنترل شبکه انرژی روسیه به بازوی مهم اقتصادی دولت تبدیل شود. گازپروم اهرم قدرتمند دولت در مدیریت اقتصادی - سیاسی داخل روسیه و هم در بازارهای جهانی انرژی است. مقاله پیش رو با بررسی سیاست‌های داخلی و بین‌المللی روسیه در حوزه انرژی، واکاوی نقش گازپروم در روند تحولات سیاسی - اقتصادی این کشور و نقش آفرینی این شرکت در معادلات بین‌المللی برای فدراسیون روسیه را مورد توجه قرار می‌دهد.

کلید واژه‌ها

* Email: ramezanzdh@ut.ac.ir

1. Rationalization
2. Yukos.
3. Sib Neft.

سیاست خارجی روسیه، استراتژی انرژی، گازپروم، بازار جهانی انرژی، یلتسین، پوتین

مقدمه

تقاضای انرژی بخش عمده‌ای از سیاست جهانی را به خود اختصاص داده و سطح رقابت برای دستیابی به منابع معدودی که اقتصاد جهانی را تعیین می‌کند، افزایش داده است. افزایش جمعیت، رشد اقتصادی پویا (به‌خصوص در چین و هند) و افزایش رفاه، محرک‌های رشد تقاضا هستند. با این حال قیمت‌های بالای انرژی و ظرفیت‌های محدود به‌ویژه در بازار نفت، اقتصاد جهانی را به انرژی حساس کرده است. امنیت عرضه انرژی و ثبات در قیمت‌ها دو عامل کلیدی برای رشد اقتصادی کشورهای صنعتی و در حال توسعه است. تجارت انرژی ۱۰ درصد تجارت جهانی را به‌خود اختصاص می‌دهد. وابستگی متقابل درون سیستم بین‌المللی انرژی در حال افزایش است. قیمت انرژی به‌ویژه قیمت نفت، از قیمت‌های کلیدی اقتصاد است. معاملات مالی مربوط به بخش انرژی به‌دلیل مقیاس آن جزئی از شاخص‌های موازنه در سیستم مالی و اعتباری بین‌المللی است. گسترده شدن ابعاد اهمیت انرژی دولت‌ها را واداشته است تا نقش بیشتری در تولید و تجارت انرژی ایفا کنند. در داد و ستد جهانی نفت و گاز، شرکت گازپروم یک بلوک قدرتمند و تأثیرگذار است. این شرکت ۸ درصد تولید ناخالص ملی روسیه را در اختیار دارد و شبکه صادرات گاز روسیه نیز توسط این شرکت که سهامدار اصلی آن دولت روسیه است، انجام می‌شود. پیوند میان گازپروم و دولت روسیه باعث شده است که این شرکت نقش مهمی را در سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی روسیه ایفا کند. مقاله حاضر در نظر دارد تا به تحلیل جایگاه گازپروم در مجموعه سیاست‌های روسیه بپردازد.

سیاست خارجی روسیه

پس از فروپاشی شوروی، موقعیت روسیه در نظم جهانی جدید نامشخص و ناشناخته بود. این مسأله به‌طور کامل روشن نبود که آیا روسیه جدید به‌عنوان جانشین اتحاد شوروی (به‌همراه مجموعه بزرگی از انبار تسلیحات به‌ویژه سلاح‌های هسته‌ای) مطرح است یا خیر. پس از فروپاشی، بوریس یلتسین^۱ رئیس‌جمهور جدید فدراسیون روسیه طرح تحول اقتصادی

1. Boris Yeltsin

را با دو اقدام آزادسازی قیمت‌ها و خصوصی‌سازی به اجرا گذاشت. این سیاست‌های اقتصادی منجر به شکل‌گیری طبقه جدید اجتماعی با نام الیگارش‌ها شد که اقتصاد روسیه را در کنترل خود داشت. برنامه‌های اقتصاد بازار یلتسین به بحران اقتصادی و پایین آمدن موقعیت روسیه در عرصه بین‌المللی انجامید. این بحران و بی‌ثباتی در دور دوم ریاست جمهوری یلتسین نیز ادامه یافت. در سال ۱۹۹۹ ولادیمیر پوتین به نخست‌وزیری منصوب شد. برنامه پوتین بازگشت روسیه به عرصه بین‌المللی و بازسازی قدرت این کشور بود (Mancevic, 2006, p. 6). مهمترین عواملی که به این بازسازی قدرت کمک کرد، منابع انرژی و ثبات داخلی است. در سند سیاست خارجی روسیه که در سال ۲۰۰۰ تدوین شد و نسخه جدید آن توسط دولت مدودف نگارش یافته است، بزرگترین تهدیدها و فرصت‌های این کشور از جانب منطقه غربی است، که از جمهوری‌های بالتیک تا مرزهای جنوب غربی یعنی از روسیه سفید، اوکراین، مولداوی، تا دریای سیاه، قفقاز و دریای خزر امتداد دارد.

در سند جدید سیاست خارجی که از پنج بخش تشکیل شده است، اهداف سیاست خارجی این کشور شامل تأمین امنیت ملی، ایجاد زمینه‌های مناسب در خارج برای توسعه روسیه در داخل، نفوذ در روندهای جهانی برای تضمین شکل‌گیری نظم عادلانه و دموکراتیک در جهان، تقویت نهادهای بین‌المللی و حقوق بین‌الملل و حمایت از منافع قانونی و مشروع شهروندان روسیه در خارج عنوان شده است. در حمله به اوستیا در سال ۲۰۰۸، مدودف با استناد به بند اخیر سند سیاست خارجی، اقدام روسیه را دفاع از جان و مال شهروندان روسی عنوان کرد (Geostrategy, 2008, p. 56).

در نسخه جدید این سند در ژانویه ۲۰۰۸ با اشاره به عضویت روسیه در شورای امنیت، گروه هشت و سایر سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای بر استفاده از این ظرفیت برای افزایش کارآمدی سیاست خارجی روسیه تأکید شده است. همچنین بر نقش آفرینی بیشتر مسکو در اقتصاد و سیاست جهانی، رد نظم بین‌المللی تک قطبی و بر نقش روسیه در بنیان‌گذاری نظام بین‌المللی جدید اشاره می‌شود. در این بخش اشاره شده است که روسیه سیاست خارجی باز، قابل پیش‌بینی و عمل‌گرایانه‌ای برای تأمین منافع ملی خود انتخاب کرده و سیاست خارجی روسیه متوازن و چند جانبه است. در سند تأکید شده است که این کشور بزرگترین قدرت اوراسیایی است و جایگاه آن به‌عنوان یکی از دولت‌های رهبری‌کننده جهان و عضو دائم شورای

امنیت تقویت شده است و منافع ملی آن ایجاب می‌کند که در دستور کارهای بین‌المللی نقش بیشتری ایفا کند.

در بحث سپر دفاع موشکی موضع روسیه این است که به سمت برخوردی پر هزینه مانند مسابقه تسلیحاتی که برای اقتصاد و توسعه، ویرانگر و پر هزینه است، پیش نخواهد رفت. بر اولویت منطقه‌ای توسعه همکاری‌های دو یا چند جانبه با کشورهای مشترک‌المنافع^۱ و بر نقش سازمان همکاری شانگهای، سازمان امنیت دسته جمعی، سازمان همکاری دریای سیاه و همکاری با دولت‌های ساحلی دریای خزر بسیار تأکید شده است. هدف اصلی سیاست خارجی روسیه در اروپا، ایجاد یک نظام واقعی باز و همکاری امنیتی منطقه‌ای و تأمین اتحاد منطقه‌ای ارو – آتلانتیک است (Geostrategy, 2008, pp. 13-14).

در این سند روسیه به‌عنوان یک قدرت بازسازی شده تعریف می‌شود که حاضر به نقش‌آفرینی در همکاری‌ها و بحران‌های منطقه‌ای و جهانی است. برجسته‌ترین نمود این قدرت‌یابی واکنش روسیه به تحولات سیاسی اوکراین و گرجستان در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ است. انقلاب‌های مخملی در اوکراین و گرجستان به‌طور متوالی تهدید منافع روسیه و محدود کردن حوزه نفوذ این کشور را نشانه گرفته بود. مسدود کردن انتقال انرژی به غرب عملی بود که روسیه از آن به‌عنوان ابزاری جهت مقابله با نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای در حوزه اوراسیا و اروپای شرقی بهره گرفت و پس از آن انرژی را به‌عنوان بخش مهمی از پایه‌های اقتصاد سیاسی این کشور و بازگشت قدرت روسیه و تأثیرگذاری بر تحولات عرصه بین‌المللی مطرح کرد.^۲ بازگشت روسیه به عرصه بین‌المللی را می‌توان در سه مؤلفه ملاحظه کرد:

- ۱- تقویت روابط میان اعضای جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع با ایجاد جامعه اقتصادی اوراسیا و به‌دست آوردن نفوذ اقتصادی – سیاسی بیشتر در کشورهای مشترک‌المنافع،
- ۲- افزایش نقش آفرینی روسیه در سازمان ملل، شانگهای و سایر نهادهای بین‌المللی،

1. Commonwealth of Independent States (CIS).

۲. اگرچه در سند سیاست خارجی روسیه به‌طور مشخص به ابزار انرژی اشاره نشده است. اما پس از سال ۱۹۹۹ و افزایش قیمت‌های انرژی، روسیه به‌طور مکرر نشان داده است، مهمترین اهمی که وسیله آن می‌تواند نفوذ و تأثیر خود را بر منطقه نشان دهد، انرژی است. به‌جز استفاده محدود از نیروی نظامی در جنگ اوسنیا (۲۰۰۸)، در سایر موارد روسیه برای تغییر معادلات سیاسی – امنیتی در کشورهای هم‌مرز غربی به‌وابستگی انرژی این کشورها متوسل شده است.

۳- ایجاد نظم جدید در زمینه انرژی و ملی کردن صنایع نفت و گاز به‌عنوان ابزار نفوذ

سیاسی (Mancevic, 2006, p. 7).

سخنرانی پوتین در کنفرانس امنیتی مونیخ (۲۰۰۶) را می‌توان زیرمجموعه مؤلفه‌های بالا قرارداد که در آن پوتین با انتقاد از سیاست‌های غرب به‌خصوص آمریکا در تقویت گسترش ناتو و احداث سایت‌های موشکی در شرق اروپا،^۱ مخالفت‌های روسیه را با اعمال سیاست‌های یک‌جانبه از طرف آمریکا اعلام کرد.

بسیاری از تحلیل‌گران لحن شدید پوتین در این نشست را پیش درآمد معرفی روسیه به‌عنوان قدرتی اثرگذار در تحولات جهانی می‌دانند که با کمک نیروی انرژی در صحنه بین-المللی ظهور کرده است (Legvold, 2008, pp. 13-14).

نقش صدور انرژی در سیاست خارجی روسیه

روسیه جدید با استفاده از انرژی به‌عنوان یک سلاح در پی بازسازی امپراتوری خود است. تدوین استراتژی ۲۰۲۰ در صنعت انرژی بر کاهش خسارت محیط زیست، بهبود تکنولوژی در مصرف انرژی، کاهش هزینه‌های عرضه انرژی و افزایش توانایی تولیدی در صنعت نفت و گاز در داخل اشاره دارد (Stepanov, 2007, p. 4). پوتین با تغییر مدیریت صنعت نفت و گاز روسیه، تصمیم‌گیرندگان در این بخش را از میان همکاران و دوستان خود انتخاب کرده است. اگرچه این مسأله جنجالی را به وجود آورد که پوتین یک سیستم فئودالی برای کنترل اداره روسیه ایجاد کرده است، اما عملکرد موفقیت‌آمیز وی در حوزه اقتصاد، انتقادات علیه او را کم‌رنگ کرد. مدیریت سیاسی و اقتصادی روسیه را سه گروه حقوقدانان سن پترزبورگی-سیلوویسکی‌ها^۲ و خانواده پوتین در اختیار گرفته‌اند. پوتین با ایجاد توازن در میان این سه دسته از بروز اختلاف و تسلط یک گروه بر گروه دیگر جلوگیری می‌کند. در میان این گروه‌ها حقوقدانان پترزبورگی و به‌ویژه تکنوکرات‌ها دارای اندیشه‌های لیبرالی در زمینه اقتصاد و سیاست خارجی و طرفدار آزادی‌های مدنی هستند. سیلوویسکی‌ها که از افسران سابق کا.گ.ب

۱. باراک اوباما در سپتامبر ۲۰۰۹ اعلام کرد که دولت آمریکا از استقرار سایت‌های ضد موشکی در لهستان و جمهوری چک صرف نظر می‌کند.

2. Siloviski.

هستند، طرفدار دخالت دولت در اقتصاد و افزایش توان دفاعی روسیه‌اند (Kroutkhina, 2008, p. 25)

از سال ۲۰۰۴ یک مدل اقتصادی توسط پوتین اعلام شده است. این مدل (عقلایی شدن) نامگذاری شده و توسط دولت پوتین به مرحله اجرا در آمده است. کارشناسان معتقدند این نوع جدیدی از سرمایه‌داری دولتی است که توسط دولت روسیه اجرا می‌شود، گسترش مالکیت دولتی به ویژه صنعت نفت را در برمی‌گیرد که با مصادره اموال شرکت یوکوس و خرید شرکت سیب نفت توسط گازپروم، گسترش یافت (Aslund, 2008, p. 6). در خارج از مرزهای روسیه نیز این کشور کنترل خود را بر شبکه خطوط لوله، بندرها، تأسیسات زیربنایی و سایر دارایی‌های انرژی در آسیای مرکزی و اروپای شرقی گسترش داده است و با افزایش قیمت خرید انرژی از این کشورها با نرخ جهانی به سمت تقویت سیاست خارجی خود گام برداشته است. در مواردی که کشورهای منطقه دارایی‌های انرژی خود را به شرکت‌های غیر روس فروخته‌اند، از طرف این کشور مورد تحریم انرژی قرار گرفته‌اند. کشورهای منطقه نگران این هستند که روسیه با این روش در امور داخلی آنها دخالت کند. مقام‌های دولت بوش و اوباما، روسیه را به‌خاطر استفاده از انرژی به‌عنوان یک سلاح سیاسی مورد انتقاد قرار داده‌اند.

با در نظر داشتن ایده پوتین در خصوص توسعه بخش انرژی در روسیه و محدودیت‌های موجود در ساختار قدرت در زمان پذیرش ریاست جمهوری از سوی وی تا سال‌های میانی اولین دوره ریاست جمهوری، او نتوانست اهداف و برنامه‌های خود را دنبال کند. در واقع تحولات عمده پس از سال ۲۰۰۳ رخ داد. با وجود این که سرمایه‌گذاران غربی و روسی به‌شدت به فعالیت‌های پوتین انتقاد کرده و از وی پشتیبانی نمی‌کردند، او در دوره دوم ریاست جمهوری خود نتوانست با قدرت بیشتر و تمرکز بالاتری اهداف خود را دنبال کند. تدوین استراتژی انرژی از جمله گام‌هایی بود که دولت روسیه چشم انداز برنامه‌های خود را تدوین کند. اهداف کلان روسیه در بخش داخلی بازار انرژی و مجموعه‌ای از سیاست‌ها که به این کشور در افزایش توان بین‌المللی در بازار جهانی کمک می‌کند، در این سند مورد اشاره قرار گرفته است. عنوان این سند « استراتژی انرژی روسیه تا سال ۲۰۲۰ » است که با بازنگری و تکمیل سند « استراتژی تا سال ۲۰۱۰ » که در سال ۱۹۹۵ منتشر شده بود تهیه شده است. این

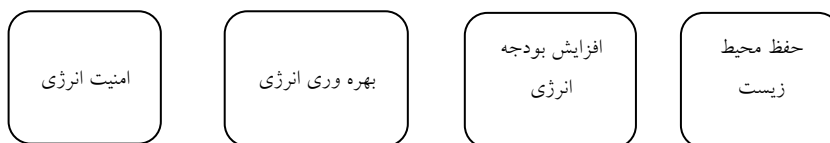
سند نوامبر ۲۰۰۰ بر شاخص‌هایی چون، مدیریت و قانونگذاری در بخش انرژی اشاره دارد، که قسمتی از آن شامل اصلاحات در بخش گاز طبیعی است (Ivanov, 2003, p. 1) و نتایج اجرای آن را می‌توان در چندین پروژه زیر ساختی که از سال ۲۰۰۳ در شرکت‌های دولتی انرژی روسیه انجام شد، مشاهده کرد. دست‌یابی به ثبات مالی و سرمایه‌گذاری در بخش سوخت سازمان‌ها از آن جمله است. در اشاره به امنیت انرژی، این استراتژی بر امنیت محیطی به‌خصوص در مورد حوزه‌های نفت و گاز در فلات ساخالین، خزر و بالتیک تأکید دارد. استراتژی انرژی روسیه شامل اهداف سیاست انرژی این کشور در خصوص کشورهای خارجی، از جمله شناخت بهتر بازار جهانی انرژی، به حداکثر رساندن امکانات صادرات بخش انرژی روسیه، تأکید بر همکاری با کشورهای آسیای مرکزی، تضمین دسترسی برابر شرکت‌های روسی به منابع مالی، تکنولوژی و بازارهای خارجی است (EIA, 2003, p. 1). اولویت‌های اصلی استراتژی انرژی روسیه تا سال ۲۰۲۰ در بازار داخلی شامل موارد زیر است:

- بهبود بهره‌وری انرژی،
- کاهش هزینه‌های عرضه انرژی،
- کاهش تأثیر آلاینده‌ها بر محیط زیست،
- تحقق مفهوم توسعه پایدار،
- استفاده از تکنولوژی و نیروی کارآمد در بخش انرژی با هدف افزایش اثربخشی و رقابت (Stepanov, 2007, p. 8).

فعالیت‌های بین‌المللی روسیه در بخش انرژی بر طبق استراتژی انرژی عبارتند از: صادرات منابع انرژی، بهره‌برداری از منابع انرژی در سایر کشورها، مشارکت در بازارهای انرژی و کنترل بر منابع و زیرساخت‌های انرژی در سایر کشورها، جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی به بخش انرژی روسیه، مشارکت و همکاری با شرکت‌های انرژی، ترانزیت صادرات انرژی و همکاری‌های حقوقی و فنی بین‌المللی، تضمین منافع سیاسی روسیه در اروپا و کشورهای همسایه و در داخل منطقه آسیا-پاسفیک.

استراتژی انرژی روسیه برای ۲۰۲۰

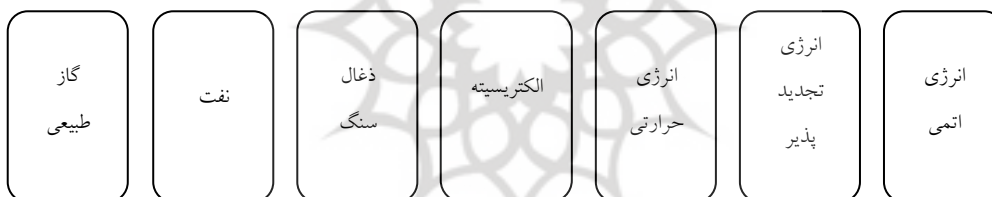
اهداف استراتژیک



مهمترین بخش‌های استراتژی ملی انرژی



چشم‌انداز توسعه انواع انرژی



پس از انتخاب مجدد پوتین به ریاست جمهوری، وی از حمایت‌های مناسب قانون‌گذاری برخوردار بود. اما کنترل بخش نفت همچنان در دست بخش خصوصی قرار داشت؛ بنابراین وی به تغییرات گسترده‌تری دست زد. در اولین قدم پوتین تلاش کرد تا با انتقال پست‌های کلیدی صنعت نفت به دولت و ریاست جمهوری، تأثیر دولت بر بخش نفت و گاز را افزایش دهد. در این راستا، ویکتور کریستنکو نخست‌وزیر سابق روسیه به‌عنوان وزیر انرژی و صنعت انتخاب شد. پوتین پس از آن، تصمیم به اصلاحات بیشتر در بخش انرژی گرفت. در اوت ۲۰۰۴، تعرفه صادراتی محدود شد تا شرکت‌های نفتی نسبت به نوسان‌های بازار جهانی نفت

(حاجی میرزایی، ۱۳۸۶، صص ۴۶-۴۵). در حالی که پوتین بار دیگر فرایند معرفی مجدد شرکت‌های دولتی در حوزه انرژی را که در دوره نخست بر آن اصرار داشت مطرح می‌کرد، تلاش‌های وی برای ایجاد یک شرکت انرژی دولتی بسیار بزرگ همچنان شدت می‌یافت. گازپروم اولین شرکتی بود که مورد توجه پوتین قرار گرفت. تلاش وی برای معرفی مجدد گازپروم حاکی از اهمیت افرادی بود که اکثر آنها جزو دیوان‌سالاران نفت و گاز در دوره شوروی بودند. پوتین بلافاصله رمویاخوف را از گازپروم برکنار و یکی از نزدیکان خود را در بالاترین پست این شرکت جایگزین کرد. دولت روسیه با افزایش ۷/۵ میلیارد دلاری سرمایه در گازپروم، سهام خود را به ۵۱ درصد رساند.

در سپتامبر ۲۰۰۴ هیئت مدیره گازپروم اطلاعیه‌ای را منتشر ساخت مبنی بر این که گازپروم دارایی‌های خود را با روس نفت^۱ ادغام می‌کند. با این اعلام، دولت روسیه تبدیل به بزرگترین سهامدار شرکت تجدید سازمان یافته گازپروم شد. این موضوع از سوی دیگر باعث شد تا گازپروم سهم عمده‌ای را در صنعت نفت روسیه به دست آورد. در سال ۲۰۰۵ دولت به گازپروم اجازه داد سیب نفت را که پنجمین شرکت بزرگ نفتی کشور بود، در بزرگترین معامله تاریخی روسیه، خریداری کند. نتیجه‌ای که از این امر روی داد این است که دولت کنترل بزرگی از گازپروم را که در سال ۲۰۰۴، ۲۰ درصد گاز جهان را تولید کرد، در اختیار گرفت. در حال حاضر گازپروم هم از منابع دولت روسیه در پروژه‌های مشترک با سرمایه‌گذاران خارجی حفاظت می‌کند و هم نقش دولت روسیه در تولید نفت و گاز را ارتقا می‌دهد.

بررسی تحولات بخش نفت و گاز روسیه نشانگر وجود دو دیدگاه متفاوت در خصوص رابطه نظام سیاسی و شیوه بهره‌برداری از منابع طبیعی است. دیدگاه اول که به اندیشه‌های نئولیبرال نزدیک‌تر است. توسط هواداران بوریس یتسین و الیگارشی‌های حاکم در زمان او

۱. شرکت نفتی دولتی که توسط افراد نزدیک به دولت روسیه اداره می‌شد. این شرکت مالک شرکت نفتی یوکوس (متعلق به میخائیل خودورکوفسکی) است که توسط دولت روسیه مصادره شد.

ایی‌های عمومی به بخش خصوصی است. این گروه معتقد بودند که خصوصی‌سازی در بلند مدت به نفع اقتصاد روسیه خواهد بود، چراکه دارایی‌های بخش خصوصی موجب ایجاد اقتصاد متنوع و افزایش درآمدهای مالیاتی برای دولت می‌شود.

اصلاح طلبان و الیگارش‌ها نسبت به ملیت مالکان دارایی‌ها چندان حساس نبودند و اقتصاد را در ابعاد جهانی می‌دیدند و به آزادی سرمایه‌گذاری خارجی در روسیه معتقد بودند. بر این اساس سرمایه‌داران نفتی همچون خودورکوفسکی و رومن آبراموویچ قصد ادغام شرکت‌های یوکوس و سیب نفت را داشتند. تا در مرحله بعد بنگاه جدید را به شرکت اکسون موبیل و یا شورون تگزاکو بفروشند (Gelb, 2006, p. 5).

در مقابل، پوتین و همفکران وی معتقد بودند که مالکیت دولت روسیه بر منابع طبیعی برای تجدید حیات اقتصاد روسیه و ظهور مجدد این کشور به‌عنوان یک ابرقدرت سیاسی در ابعاد بین‌المللی بسیار ضروری است و نیروهای بازار ابزار مناسبی برای ایجاد فرصت‌های اقتصادی و حمایت‌های اجتماعی جهت انتقال موفق نظام کمونیسم به نظام اقتصادی و سیاسی مدرن نیست. مدیریت منابع طبیعی روسیه باید از طریق برنامه‌ریزی دولتی انجام گیرد. پوتین معتقد بود دولت حق دارد که فرایند تملک و بهره‌برداری از منابع طبیعی را بدون توجه به مالکان جغرافیایی آنها با در نظر گرفتن منافع اجتماعی و منافع بخش خصوصی قانون‌گذاری کند (برکوویتز و سمیکولنوا، ۱۳۸۶، صص ۱۰۲ - ۱۰۰).

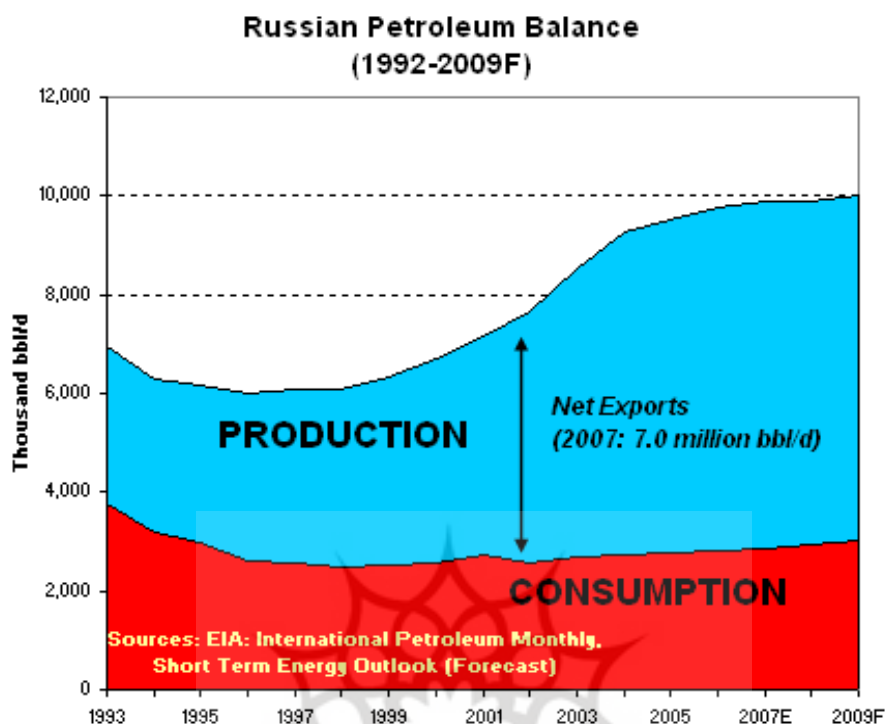
حاصل پیگیری دیدگاه نخست در روسیه پس از فروپاشی شوروی، تاراج دارایی‌های عمومی تحت عنوان برنامه خصوصی‌سازی توسط الیگارش‌ها و تلاش برای بهره‌برداری بی‌رویه از منابع بود. با اصلاحات اقتصادی پوتین کنترل دولت بر بخش‌های خصوصی گسترش یافت. این سیاست با هدف دسترسی به دارایی شرکت‌هایی که در زمان ریاست جمهوری یلتسین و از راه معاملات مشکوک به اقلیتی از اعضای حاکم تعلق گرفته بود انجام شد. در اصلاحات پوتین دولت بطور مستقیم یا غیر مستقیم مالکیت شرکت‌های خصوصی را بر عهده گرفته است:

- ایجاد یک اقتصاد ترکیبی شامل بخش دولت و بخش خصوصی،

- افزایش سرمایه گذاری در منابع طبیعی برای تقویت زیربنای اقتصادی کشور،
 - تمرکز بر بخش انرژی و حضور قدرتمندتر مدیریت دولتی در این بخش.
 مدلی که در روسیه توسط پوتین و همکارانش اجرا شده با هدف کنترل مسیر دارایی‌های حاصل از نفت و گاز و هدایت آنها به سوی صنایع تولیدی و افزایش ظرفیت جذب اقتصادی روسیه است (Cooper, 2009, p. 15).

ذخایر انرژی روسیه

از نظر جایگاه منابع طبیعی و نفت روسیه دارای مقام هشتم در ذخایر نفت و بزرگترین صادر کننده نفت پس از عربستان سعودی است. همچنین روسیه بزرگترین ذخیره کننده گاز جهان و بزرگترین صادر کننده گاز طبیعی است. از نظر ذغال سنگ نیز روسیه دارای دومین ذخیره جهانی است. ذخایر نفتی این کشور در حدود ۶۰ میلیارد بشکه تخمین زده می‌شود که در حدود ۶ درصد کل ذخایر جهانی است و همواره برای مدتی طولانی تعیین کننده میزان قدرت و سلامت اقتصاد روسیه بوده است (Cooper, 2009, pp. 18-19). ۳۲ درصد از ذخایر اثبات شده گاز، ۱۲ درصد از ذخایر اثبات شده نفت و ۸ درصد از ذخایر اورانیوم در این کشور قرار دارد (Research and Markets, 2009, p. 1). روسیه با ۱/۷۰۰ تریلیون فوت مکعب ذخیره گاز در سال ۲۰۰۸ بزرگترین تولید کننده و صادر کننده گاز بوده است (Gelb, 2006, p. 2). براساس آمار مرکز انتقال سوخت و انرژی روسیه تولید نفت خام و میعانات گازی فدراسیون روسیه در سال ۲۰۰۷ با ۲/۶ درصد رشد نسبت به سال قبل به ۹/۸۷۲ میلیون بشکه در روز رسیده است که از این میزان ۲/۸ میلیون بشکه در داخل روسیه مصرف و بیش از ۷ میلیون بشکه آن صادر می‌شود. به عبارت دیگر ۷۰ درصد نفت خام روسیه صادر و ۳۰ درصد باقی مانده در پالایشگاه‌های داخلی تصفیه می‌شود.



Source: <http://www.eia.doe.gov/emeu/cabs/Russia/Oil.html>, May 2008

در نوامبر ۲۰۰۸ ویکتور کریستنکو (وزیر انرژی روسیه) عنوان کرد که دولت امیدوار است تولید نفت به ۱۰/۴ میلیون بشکه در روز افزایش یابد. اما رشد تولید در سال ۲۰۰۸ تنها ۵ درصد بوده است. این رشد پایین ناشی از مشکلات تولید در حوزه ساخالین ۱ و عدم سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی میادین است (Business News Agency, 2008). در حالی که تولید نفت خام در سیبری غربی در حال کاهش است؛ در حوزه‌های سیبری شرقی و فلات قاره شرق دور رشد قابل ملاحظه‌ای مشاهده می‌شود.

معافیت‌های مالیاتی که از اول ژانویه ۲۰۰۷ برای توسعه حوزه‌های نفتی در سیبری شرقی اعمال شد و نیز نقش مثبت آغاز بکار ساخت خط لوله سیبری شرقی^۱ باعث ایجاد موفقیت‌های جدی در توسعه حوزه‌های نفتی این منطقه شد. بر طبق آمار اداره اطلاعات انرژی آمریکا،

1. Eastern Siberia Pipeline (E. S. P)

روسیه در سال ۲۰۰۸ دارای ۶۰ میلیون بشکه نفت بوده است. در نواحی سیبری غربی کمترین اکتشاف صورت گرفته است، جایی که وزیر منابع طبیعی روسیه حجم ذخایر آن را در سال ۲۰۰۵، ۳/۷ میلیون بشکه تخمین زده است (EIA, 2008).

حوزه‌های اصلی ذخایر نفت روسیه در سیبری شرقی بین کوه‌های اورال و فلات سیبری مرکزی واقع شده است. در زمان اتحاد شوروی این منطقه اصلی‌ترین حوزه تولید نفت در جهان بوده است، که تولید آن به بیش از ۱۲/۵ میلیون بشکه در روز می‌رسید. در سال ۱۹۸۸، ۲۵ درصد از ذخیره نفت روسیه و ۶ درصد از ذخیره گاز این کشور در جزیره ساخالین در منتهی الیه شرق این کشور قرار داشت.

پس از فروپاشی شوروی و در سال‌های ۱۹۹۸-۱۹۹۷ تولید نفت روسیه به ۶ میلیون بشکه در روز کاهش یافت، اما پس از سال ۱۹۹۹ با افزایش قیمت نفت و بکارگیری تکنولوژی‌های جدید، تولید نفت افزایش یافت. این افزایش در سال ۲۰۰۴ به ۹ میلیون بشکه و در سال ۲۰۰۸ به حدود ۱۰ میلیون بشکه رسید (Gelb, 2006, p. 1).

موقعیت روسیه در تولید گاز طبیعی نوید بخش‌تر از استخراج نفت است. روسیه ۳۱ درصد کل ذخایر گاز جهان را در کنترل دارد. اهمیت روسیه در بخش گاز بسیار بیشتر از اهمیت عربستان سعودی در تولید نفت است که دارای ۲۵ درصد ذخایر نفت جهان است. در سال ۲۰۰۴ گازپروم به تنهایی ۱۴۰/۵ میلیارد مترمکعب گاز از کل تولید ۵۴۵/۱ میلیارد مترمکعب گاز را صادر کرد. طبق آمار ژانویه ۲۰۰۵ (چشم انداز بین‌المللی انرژی)^۱، روسیه ۲۷/۸، ایران ۱۵/۶ و قطر ۱۵/۱ درصد کل ذخایر گاز جهان را در اختیار دارند. روسیه در سال ۲۰۰۸، ۴۱ درصد نیازهای گازی اروپا را تأمین کرده است. از کل واردات گاز اتحادیه اروپا حدود نیمی از آن از روسیه وارد می‌شود. تحلی‌ل‌گران پیش‌بینی می‌کنند که اروپا در آینده تا سال ۲۰۲۰ به بیش از ۷۰ درصد گاز روسیه وابسته می‌شود (Free, 2003, p. 23).

1. International Energy Outlook.

تولید و عرضه گاز روسیه در سال ۲۰۰۸

منابع عرضه گاز	میلیارد متر مکعب	بازار مصرف	میلیارد متر مکعب
تولیدات گاز پروم	۵۵۰	مصرف داخلی روسیه	۳۵۳
تولید شرکت‌های خارج از مالکیت گاز پروم	۱۱۴	صادرات به کشورهای مشترک المنافع	۹۲
صادرات از منابع آسیای مرکزی	۶۱	صادرات به اروپا	۱۵۹

Sources: Stern, 2009.

گازپروم

گازپروم امروزه نه تنها بزرگترین شرکت دولتی روسیه بلکه بزرگترین شرکت گازی جهان نیز محسوب می‌شود. بر مبنای گزارش بریتیش پترولیوم، گاز پروم دارای ۱۶/۵ درصد از ذخایر گازی جهان و تولید کننده بیش از ۱۹/۴ درصد گاز جهان است. این شرکت مالک ۸۴ درصد از میزان گازی است که در فدراسیون روسیه تولید می‌شود. فراتر از این تمام شبکه ترانزیت گاز از روسیه به بازارهای جهانی متعلق به این شرکت است. گاز پروم در حال حاضر عرضه کننده گاز به بسیاری از مهمترین کشورهای اروپایی مثل آلمان، ایتالیا، ترکیه و فرانسه و تأمین کننده اصلی گاز اروپای شرقی و کشورهای مشترک المنافع است. براساس آمار این شرکت در سال ۲۰۰۶ بیش از ۱۶۱/۵ میلیون متر مکعب به اروپا و حدود ۱۰۱ میلیون متر مکعب به کشورهای مشترک المنافع و حوزه دریای سیاه گاز صادر شده است (Miirova, 2008, p. 2).

این شرکت هر ساله از قدرت و توانمندی بیشتری برخوردار شده و نقش جدی تری را هم در اقتصاد روسیه و هم در بازارهای جهانی انرژی ایفا می‌کند. در پایان سال ۲۰۰۷، ارزش

بورس به ۳۴۵ میلیارد دلار رسیده که از این نظر سومین شرکت بزرگ جهان تلقی می‌شود. پوتین با تأکید بر اینکه از ابزارهای مختلف برای فشار بر شرکت‌های خارجی استفاده می‌کند، آنان را از خرید هر نوع سهامی در صنعت انرژی روسیه دور داشت و این امکان را برای گازپروم فراهم کرد تا با خرید سهم سایر شرکت‌ها و شرکای خارجی، به بازوی مهم اقتصادی دولت تبدیل شود. در سال ۲۰۰۵ سیب نفت توسط گازپروم خریداری شد و در ژوئن ۲۰۰۷ دولت روسیه شرکت روسی- بریتانیایی^۱ را مجبور کرد تا حوزه گازی کوویتکا^۲ در سیبری را به گازپروم بفروشد. این امر توان صادراتی گازپروم را افزایش داد (Woehrel, 2009, p. 6). در نتیجه سیاست‌های خصوصی سازی در اوایل دوران فروپاشی شوروی، گازپروم به یک شرکت سهامی تبدیل شد، اما دولت ۴۰ درصد از سهام این شرکت را در اختیار خود گرفت و مابقی سهام نیز با کنترل و نظارت شدید مدیریت شرکت از طریق برگه‌های خصوصی سازی (واوچر) واگذار شد. برخلاف صنعت نفت روسیه که پیش از خصوصی‌سازی به سه شرکت مجزا تقسیم شد، انحصار صنعت گاز همچنان تحت کنترل گازپروم باقی ماند (Kalotay, 2007, p. 60).

اگرچه پوتین در برخورد با مقوله مهم جایگاه دولت در امور اقتصادی، واگذاری هر پروژه اقتصادی را به دولت مردود می‌داند. اما در بخش انرژی با مصادره دارایی‌های مهم و محدود کردن سرمایه‌گذاری‌های خارجی و تبدیل گازپروم و روس نفت به زیر مجموعه دولت، نوعی حضور دولت در امور اقتصادی را افزایش داده است. از نظر پوتین تقویت نقش دولت در اقتصاد به معنی تقویت نهادهای قانونی و ابزارهای ضد انحصار از سوی دولت است، تا بتواند از جامعه به‌عنوان یک هویت کلان و عمومی حمایت کند (کولائی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۰).

گازپروم نقش بسیار مهمی را در مدیریت داخلی روسیه ایفا کرده است. این شرکت با عرضه ارزان‌تر گاز به مصرف‌کنندگان داخلی در مقایسه با مصرف‌کنندگان در اتحادیه اروپا تا حد زیادی به سیاست‌های دولت در کاهش فشارهای اجتماعی در روسیه کمک کرده است. گازپروم توانسته است، انحصار صادرات گاز به مشتریان ثروتمند در اروپا را به‌دست آورد (دو سوم از صادرات گازپروم به اتحادیه اروپا انجام می‌شود) دولت روسیه موافقت کرده است، تا

1. TNK-BP

2. Kovytko.

گازپروم با افزایش قیمت تا ۲۰۱۱، قیمت گاز داخلی را به قیمت‌های بین‌المللی برساند؛ این امر در راستای مذاکره با اتحادیه اروپا برای ورود روسیه به سازمان تجارت جهانی صورت می‌گیرد (Woehrel, 2009, p. 6).

پوتین در سال ۲۰۰۳، در جمع اعضای هیأت مدیره گازپروم اعلام کرد که انتظار دارد این شرکت به یک هرم سیاسی و اقتصادی قدرتمند (برای روسیه) جهت اعمال نفوذ بر سایر مناطق جهان تبدیل شود. در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴ سهم گازپروم از تولید ناخالص ملی روسیه بیش از ۸ درصد بوده است. از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ دولت به واسطه شرکت گازپروم (که انحصار تولید گاز را در اختیار دارد) کنترل خود را بر بخش انرژی افزایش داده است (Cooper, 2009, p. 17).

جایگاه گازپروم در سیاست انرژی روسیه

گازپروم با حدود ۳۰۰ هزار نفر پرسنل، بزرگترین تولید کننده گاز در جهان و عامل تولید ۲۰ درصد کل گاز جهان است. دولت روسیه بزرگترین سهامدار گازپروم و دارای ۵۱ درصد کل سهام این شرکت است. کنترل شبکه خطوط لوله در روسیه، مدیریت ۹۰ درصد از تولید صنعت گاز این کشور و مالکیت یک چهارم از ذخایر گاز طبیعی جهان در اختیار این شرکت است. بنابراین گازپروم به‌عنوان ابزار دولت روسیه محسوب می‌شود که دارای منافع مشترک (دولت و گازپروم) در خارج مرزهای روسیه هستند. دومین شرکت بزرگ گاز روسیه ایترا، نیز به گازپروم متصل است. اگرچه گازپروم به‌عنوان یک شرکت سهامی سازمان دهی شده و ۵/۷ درصد سهام آن متعلق به شرکت آلمانی روهر گاز^۱ است.

اما این شرکت به‌عنوان یک سازمان دولتی عمل می‌کند و کنترل شدیدی بر جریان اطلاعات در داخل بخش گاز روسیه دارد. علاوه بر انرژی در سایر حوزه‌های اقتصادی در بانک‌ها، شرکت‌های صنعتی، کشاورزی، رسانه‌ها و شبکه‌های رادیو تلویزیونی، گازپروم از سهامداران عمده محسوب می‌شود (Woehrel, 2009, p. 6).

گروه گازپروم، اعلام کرد در سال ۲۰۰۶ درآمد صادراتی این گروه ۴۳ درصد نسبت به سال ۲۰۰۵ افزایش یافته است. گازپروم در سال ۲۰۰۶ به مصرف کنندگان روس ۳۱۶/۳ میلیارد مترمکعب گاز عرضه کرده که ۹/۳ میلیارد مترمکعب بیش از سال ۲۰۰۵ بوده است. طبق برنامه‌های هیأت مدیره گازپروم قرار است ارزش سرمایه گازپروم در بازار تا سال ۲۰۱۷ به یک تریلیون دلار افزایش یابد.

این شرکت به‌عنوان بزرگترین قطب تولید گاز طبیعی روسیه، طرف اصلی در قراردادهای اپراتوری پروژه چند میلیارد دلاری "نفت و گاز ساخالین ۲" واقع در شرق جزیره ساخالین روسیه است. براساس این قرارداد که در اوایل سال ۲۰۰۷ به امضا رسید، گازپروم دارای ۵۰ درصد سهام این پروژه است. شرکت انگلیسی - هلندی رویال داچ شل نیز با ۲۷/۵ درصد و شرکت ژاپنی میتسویی با ۱۲/۵ درصد و میتسویی با ۱۰ درصد، از دیگر سهامداران پروژه ساخالین هستند (شبکه اطلاع رسانی نفت و انرژی، ۱۳۸۷، ص ۲). ذخایر قابل بهره‌برداری نفت این پروژه ۱۵۰ میلیون تن و گاز نیز ۵۰۰ میلیارد مترمکعب برآورد شده است.

گازپروم و تولید گاز روسیه بین سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۱۲ براساس میلیارد متر مکعب

۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰	۲۰۰۹	
۶۴۹	۶۳۰	۶۲۳	۵۸۰	کل تولید روسیه
۵۳۲/۸	۵۱۰/۶	۵۰۷/۰	۵۱۰-۴۵۰	تولید گازپروم
۱۱۶/۲	۱۲۳/۴	۱۱۵/۵	۱۳۰-۷۰	تولید سایر شرکت‌های روسی

Sources: Stern, 2009.

شرکت گازپروم برای تأمین تقاضای انرژی اتحادیه اروپا بیش از ۶۹ میلیارد دلار در مجموع سال‌های ۲۰۰۸ - ۲۰۰۷ و ۲۰۰۹ برای توسعه میدین گازی جدید روسیه سرمایه‌گذاری کرده است. در اکتبر ۲۰۰۹ گازپروم اعلام کرد که تولید گاز در سال ۲۰۰۹، ۱۳/۸ درصد کمتر از

تولید در سال ۲۰۰۸ است. این کاهش تولید ناشی از کاهش تقاضای داخلی و افت چشمگیر در مصرف گاز اروپا است (Oil and Gas Insight, 2009).

اقدام گازپروم برای توسعه میدان‌های گازی جدید به دنبال تصمیم این شرکت در توسعه شبکه خطوط لوله آن صورت می‌گیرد، تا با گسترش همزمان شبکه‌های تولید و توزیع گاز، روسیه همچنان بزرگترین تأمین کننده گاز اروپا باقی بماند. گازپروم یک چهارم گاز مورد نیاز اروپا را تأمین می‌کند که بخش عمده آن از ترانزیت گاز کشورهای آسیای مرکزی تأمین می‌شود. در سال ۲۰۰۶ مسئولان گازپروم اعلام کردند که این شرکت قصد دارد به گروه شرکت‌های بزرگ انرژی جهان بپیوندد و با این هدف فعالیت در زمینه انرژی هسته‌ای در اولویت برنامه‌های این شرکت قرار گرفته است (Meinhart and Pavel, 2006, p. 115). بزرگترین پروژه‌هایی که گاز پروم در روسیه در اختیار دارد شامل موارد زیر است:

حوزه یامال: شبه جزیره یامال دارای ذخایر استراتژیک نفت برای روسیه است. این منطقه همچنین از نظر تولید گاز برای روسیه بعد از سال ۲۰۱۰ یک منطقه حیاتی به شمار می‌رود. این حوزه در شروع بهره‌برداری دارای ۱۶ تریلیون متر مکعب ذخیره گازی است (Stern, 2009, p. 2).

پروژه گاز شرقی:^۱ منطقه سیبری شرقی و شرق دور ۶۰ درصد از مساحت فدراسیون روسیه را پوشش می‌دهد. مجموع ذخایر اولیه گاز شرق روسیه ۵۲/۴ تریلیون متر مکعب در خشکی و ۱۴/۹ تریلیون متر مکعب در دریا تخمین زده می‌شود. این منطقه یکی از پرمفعت‌ترین ذخایر در اختیار گازپروم است. توسعه بهره‌برداری از این ناحیه امنیت صادرات گاز به آسیا و اقیانوسیه را در درازمدت تأمین خواهد کرد. از سپتامبر ۲۰۰۷ گازپروم از طرف دولت مأموریت یافته تا با ایجاد سیستم حمل و نقل و عرضه در سیبری شرقی و شرق دور، ظرفیت صادرات گاز به چین و دیگر کشورهای حوزه اقیانوس آرام را افزایش دهد (Gazprom (d), 2009).

1. Eastern Gas Program.

پروژه نورد استریم: این پروژه ایجاد یک مسیر جدید برای صادرات گاز به اروپا است. بازارهای هدف در این پروژه، آلمان، انگلستان، هند، فرانسه و دانمارک هستند. شرکای سرمایه‌گذار در این خط لوله روهر گاز آلمان و شرکت گازیونیت هلند^۱ هستند. نورد استریم سواحل دریای بالتیک روسیه را به وی بورگ^۲ آلمان متصل می‌کند. این مسیر که از سال ۲۰۱۱ به بهره‌برداری می‌رسد دارای ۷۵/۵ میلیون متر مکعب ظرفیت سالانه است.

خط لوله جریان جنوبی: این خط لوله گام دیگری از سوی گازپروم برای افزایش تنوع عرضه گاز به اروپا. در این پروژه از بالاترین استانداردهای زیست محیطی و تکنولوژی استفاده می‌شود. این خط لوله از ایستگاه کمپرسور برگووا^۳ در سواحل روسیه آغاز و از بستر دریای سیاه به سواحل بلغارستان متصل می‌شود. طول این خط ۹۰۰ کیلومتر و ظرفیت آن ۶۳ میلیون متر مکعب است (Gazprom (c), 2009).

پروژه اشتوکمان: از مهمترین پروژه‌های گازپروم برای صادرات گاز مایع به بازارهای حوزه اقیانوس اطلس است. این میدان گازی که در سال ۱۹۸۸ کشف شده است، در دریای بارتنز و در ۶۲۰۰ کیلومتری شمال شرق مورمانسک واقع است. حوزه اشتوکمان دارای ظرفیت تولید ۷۰ میلیون متر مکعب گاز طبیعی در سال است. شرکای این پروژه شرکت توتال و شرکت استات اویل هیدرو^۴ هستند. این پروژه در سال ۲۰۰۷ آغاز شده است (Gazprom (b), 2009).

ساخالین ۲: سیاست دولت توسعه زیر ساخت‌های گازی در شرق روسیه است و گازپروم مجری این برنامه‌ها است. پروژه ساخالین ۲ از جمله حوزه‌های این منطقه به‌شمار می‌آید که با همکاری شرکت رویال داچ شل، میتسویی و گروه میتسوبیشی از سال ۱۹۹۴ در جزیره ساخالین آغاز شده است.

1 . Nederland Gas Unit.
2 . Vy borg
3. Beregovaya
3. State Oil Hydro
4. Astokh skoye
5. Lanskoye

ساخالین ۲ شامل توسعه دو حوزه آستوک اسکویه^۱ و لانسکوی^۲ در شمال شرقی سواحل جزیره ساخالین است. ذخایر این دو حوزه ۶۰۰ میلیون متر مکعب گاز و ۱۷۰ میلیون بشکه نفت است (Gazprom (a), 2009).

گازپروم و بازار جهانی انرژی

در ۲۰ ژوئن سال ۲۰۰۶، قانون فدرال روسیه، حق انحصاری صادرات گاز طبیعی این کشور را به شرکت گازپروم واگذار کرد و با این اقدام این شرکت به مالک بیش از ۳۰ درصد منابع شناخته شده گاز جهان و بزرگترین صادرکننده به بازارهای مصرف تبدیل شد. گازپروم به صورت انحصاری ۸۵ درصد تولید گاز و مدیریت همه خطوط اصلی گاز روسیه را در اختیار دارد. بر اساس آمار آژانس اطلاعات انرژی آمریکا، ذخایر گاز روسیه به ۱۶۸۰ تریلیون فوت مکعب می-رسد که بیش از دو برابر ذخایر گاز ایران به عنوان دومین کشور دارای منابع گاز است. بیش از ۴۱ درصد واردات گاز اتحادیه اروپا به وسیله گازپروم تأمین می‌شود (EIA, 2008). آلمان، ایتالیا، فرانسه و ترکیه از مشتریان گاز پروم هستند.

بازار اصلی تأمین گاز در اروپای شرقی و کشورهای مشترک‌المنافع در اختیار این شرکت است. براساس آمار گازپروم، فروش گاز به اروپا در سال ۲۰۰۶ به ۱۶۱/۵ میلیون مترمکعب رسیده است. فروش گاز به کشورهای مشترک‌المنافع و حوزه بالتیک به میزان ۱۰۱ میلیون متر مکعب بوده است. با ظهور بازارهای جدید انرژی در آسیا - اقیانوسیه و افزایش شدید قیمت‌های نفت، گازپروم رویکرد خود را از سیاست "احداث و کنترل خطوط لوله"^۳ به سمت "تجارت انرژی"^۴ سوق داده است. استراتژی جدید گازپروم تنوع در بازارهای صادراتی به خصوص به منطقه آسیا و اقیانوسیه، افزایش واردات گاز آسیای مرکزی، ترانزیت و حضور بیشتر در این منطقه و سایر مناطق بی‌نیاز از انرژی است (Mitrova, 2008, p. 2).

شرکت‌های گازپروم، شرکت ملی نفت ایران، آگزون موبیل، شل، بی پی و سوناتراک به ترتیب شش تولیدکننده مهم گاز طبیعی در سال ۲۰۰۷ بوده‌اند. کنترل گازپروم بر بازار انرژی

آنچنان گسترده است، که در نشست کشورهای صادرکننده گاز در دوحه در سال ۲۰۰۷، روسیه پیشنهاد تشکیل یک کارتل گازی را مطرح کرد. این ابتکار با هدف ایجاد یک تصمیم جمعی در خصوص تنظیم بازار و همکاری مشترک در زمینه فن‌آوری ال. ان. جی. مطرح می‌شود و شکل‌گیری آن به تقویت هر چه بیشتر کنترل روسیه بر بازار جهانی گاز می‌انجامد (Socor, 2008, p. 1).

فعالیت‌های گازپروم در حوزه‌های انرژی خارج از روسیه از سال ۲۰۰۰ آغاز شد. در هند و ویتنام گازپروم سرمایه‌گذاری‌هایی را آغاز کرده است. در حوزه‌های نفت و گاز بنگال از سال ۲۰۰۵، گازپروم به اکتشاف مشغول است. در حوزه‌های نفتی بریتانیا در دریای شمال، گازپروم سرمایه‌گذاری‌هایی را انجام داده است (Mitrova, 2009, p. 4). بخش دیگری از فعالیت‌های گازپروم شامل:

- امضای یادداشت تفاهم با پاکستان در سال ۲۰۰۷ که مربوط به سرمایه‌گذاری گازپروم در احداث خط لوله ایران - هند - پاکستان و ساخت مخزن بزرگ گاز و فروش گاز مایع به پاکستان است (Earthtimes, 2007).

- سرمایه‌گذاری در صنایع نفت عربستان پس از دیدار پوتین از این کشور در دسامبر ۲۰۰۸.
- در اکتبر ۲۰۰۵ گازپروم موفق شد امتیاز زمین‌شناسی، کشف، توسعه و استخراج گاز طبیعی از ذخایر ونزوئلا در حوزه‌های دریایی این کشور واقع در دریای کارائیب را به مدت ۳۰ سال به‌دست آورد.

با این وجود تمرکز اصلی فعالیت‌های گازپروم متوجه اتحادیه اروپا و اروپای شرقی است. در شرق اروپا و در کشورهای حوزه بالتیک بخش عمده‌ای از خطوط انتقال گاز در مالکیت گازپروم است. این مالکیت در خطوط انرژی روسیه سفید ۲۵ درصد، در فنلاند ۲۵ درصد، در خط لوله یامال، گاز به مقصد لهستان گازپروم مالک ۴۸ درصد از سهام این خط لوله است.

سیاست‌های کلی گازپروم در بخش سرمایه‌گذاری، متنوع‌سازی مسیرهای صادرات گاز به اروپا با ساخت خطوط لوله جدید، سرمایه‌گذاری مشترک برای انتقال گاز مایع به بازار اروپا و مخالفت با احداث پروژه‌هایی است که گاز را از مسیرهایی به‌جز روسیه به اروپا صادر می‌کند (Loskot and Other, 2008, p. 6).

گازپروم در سایر حوزه‌های انرژی از جمله الکتریسیته در آلمان، ترکیه و لاتویا، پروژه‌هایی را در اختیار دارد. شرکت‌های زیر مجموعه گازپروم به‌طور مستقیم و غیر مستقیم سرمایه‌گذاری‌هایی را در صنایع شیمیایی در آلمان، تولید الکتریسیته در لاتویا و کارخانه‌های کود شیمیایی استونی انجام داده‌اند (Loskot and Other, 2008, pp. 10-11). در ژانویه ۲۰۰۸ گازپروم به توافقی در مورد خرید، ان‌آی‌اس^۱ با صربستان دست یافت. کارشناسان معتقدند خرید ارزان این شرکت توسط گازپروم به مخالفت مسکو با استقلال کوزوو از صربستان در زمان نخست وزیری ووجیسلاو کاستونیکا^۲ ارتباط دارد (Woehrel, 2009, p. 9).

در آسیای مرکزی، گازپروم در درجه نخست به دنبال توسعه تأسیسات گازی کشورهای این منطقه است و در درجه دوم هدف افزایش توان صادراتی این کشورها به روسیه است. در سال ۲۰۰۸ گازپروم ۶۶/۱ میلیارد متر مکعب گاز از آسیای مرکزی وارد کرده است. از این میزان ۴۲/۳ میلیارد متر مکعب گاز از ترکمنستان، ۱۴/۲ میلیارد متر مکعب از ازبکستان و ۹/۶ میلیارد متر مکعب از قزاقستان گاز وارد کرده است. گاز آسیای مرکزی در درجه اول به اوکراین و به جمهوری‌های قفقاز جنوبی صادر می‌شود.

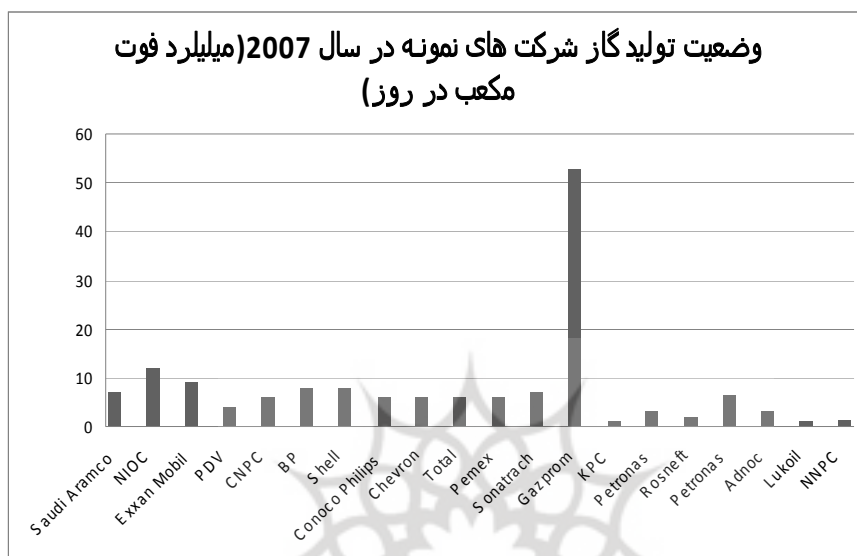
گازپروم در فاصله سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۸ اقدام به امضای موافقت‌نامه‌های دوجانبه با قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان با هدف بالا بردن اطمینان از عرضه گاز به بازارهای داخلی روسیه و بازارهای بین‌المللی کرده است. این موافقت‌نامه‌ها شامل چارچوب‌های قانونی برای یکپارچه کردن تولید، تصفیه و حمل و نقل گاز در آسیای مرکزی است. تا بدین وسیله یک شبکه یکپارچه صادراتی شکل گیرد (Gazprom (c), 2009, pp. 1-2).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. NIS

2. Vojislav Kostunica

وضعیت تولید گاز شرکت‌های نمونه در سال ۲۰۰۷ (میلیارد فوت مکعب در روز)



منبع: نشریه تحولات بازار نفت و گاز، شماره ۲۷، ۱۳۸۷، ص ۲۵.

نتیجه

حضور گازپروم در راهبردهای انرژی روسیه در دو بخش قابل بررسی است. در داخل روسیه دولت مالک ۵۱ درصد از سهام این شرکت و تعیین کننده تصمیم‌ها و خطی مشی‌های گازپروم است. امتیاز اکتشاف، استخراج و صادرات حوزه‌های اصلی گاز در سیبری شرقی-حوزه ساخالین و در سایر حوزه‌های اصلی انرژی به این شرکت واگذار شده است. سایر شرکت‌های فعال در حوزه انرژی همچون سب نف و شرکت گاز ایترا از زیر مجموعه‌های گازپروم به‌شمار می‌آیند.

از آنجایی که گازپروم مصرف داخلی گاز روسیه را نیز تأمین می‌کند، پایین نگاه داشتن قیمت گاز مصرفی در بازار داخل، کمک بزرگی به سیاست‌های دولت در کاهش فشارهای

اجتماعی است. ضمن اینکه گازپروم با خرید سهام بخش‌های کشاورزی، بانکداری و شبکه‌های رادیو تلویزیونی کنترل دولت به سایر حوزه‌های اقتصادی را گسترش داده است. در بخش دیگر گازپروم ابزار مؤثر فدراسیون روسیه در بازار جهانی انرژی است. در ۲۰ ژوئن سال ۲۰۰۶، قانون فدرال روسیه حق انحصاری صادرات گاز طبیعی این کشور را به شرکت گازپروم واگذار کرد. بازار اصلی گاز در اروپای شرقی و کشورهای مشترک‌المنافع در اختیار این شرکت است و ۴۴ درصد گاز مصرفی اتحادیه اروپا را گازپروم تأمین می‌کند.

با ظهور بازارهای جدید انرژی در آسیا-اقیانوسیه و افزایش شدید قیمت حامل‌های انرژی، گازپروم رویکرد خود را از سیاست "احداث و کنترل خطوط لوله" به سمت "تجارت انرژی" تغییر داده است. استراتژی جدید گازپروم تنوع در بازارهای صادراتی به‌خصوص به منطقه آسیا و اقیانوسیه و حضور بیشتر در حوزه‌های گاز آسیای مرکزی و سایر مناطق غنی از انرژی از جمله ایران است.

فدراسیون روسیه با آگاهی از افزایش بیش از پیش انرژی در سیاست و امنیت جهانی از اهرم گازپروم برای حضور گسترده در حوزه‌های انرژی خاورمیانه (ایران، عربستان، شمال آفریقا) بهره می‌برد. حتی در هند و ویتنام با وجود ذخایر اندک نفت و گاز، این شرکت از سال ۲۰۰۵ سرمایه‌گذاری‌هایی را انجام داده است.

مالکیت خطوط لوله صادراتی در شرق اروپا و در بالکان این امکان را برای روسیه فراهم کرده است، تا در معادلات خود با غرب از آن استفاده کند و پیشروی ناتو به حاشیه مرزهای روسیه را محدود کند.

منابع و مأخذ

الف- فارسی

۱. برکوویتز، دانیل و یارویگا سمیکولنوا (زمستان ۱۳۸۶)، "خصوصی‌سازی تحت نظارت دولت، صنعت نفت روسیه"، بررسی‌های اقتصاد انرژی، سال سوم، شماره ۱۱.
۲. حاجی میرزایی، سید محمد و محمد امین نادریان (بهار ۱۳۸۶)، "بررسی تحولات اقتصاد سیاسی نفت و گاز در روسیه"، بررسی‌های اقتصاد انرژی، سال سوم، شماره ۸۰.
۳. شبکه اطلاع رسانی نفت و انرژی (۱۸ اسفند ۱۳۸۷)، (www.shana.ir).

۴. کولایی، الهه، محمد تقی دلفروز و رسول افضلی (۱۳۸۱)، بررسی زمینه‌های نظری و تاریخی همگرایی و واگرایی در فدراسیون روسیه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۵. نشریه تحولات بازار نفت و گاز (۱۳۸۷)، شماره ۲۷.

ب- انگلیسی

1. Aslund, Anders (15 May, 2008), "Russia Energy and the European Union: Perspective on Gazprom", <http://www.petersoninstitute.org/publications/paper/asl.Und.508.pdf>, (accessed on: 6 July 2009).
2. **Business News Agency** (7/2/2008), "Big Picture Russia: Oil Production & Taxes", <http://www.prime-tass.com/news/show.asp?Topicid=65&id=433364>, (accessed on: 5 December 2008).
3. Cooper, William. H (June 29, 2009), "Russia's Economic Performance and Policies and their Implications for the United States", <http://www.fas.org/sgp/crs/ro>, (accessed on: 12 January 2010).
4. **EIA** (May 2003), "Russia's Energy Strategy to 2020", <http://www.eia.org/textbase/papers/2003/strategy2020.pdf>, (accessed on: 2 December 2009).
5. **EIA** (21/11/2008), "Russia's Energy", <http://www.eia.doe.gov/emeu/cabs/russia/links.html>, (accessed on: 20 May 2009).
6. Free, Florence.C (September 2003), "Russian and Iranian Gas and Future US Energy Security", Vol. XLVI, No.31.
7. Gelb, Bernard A (3 January, 2006), "Russian Oil and Gas Challenges", <http://fpc.state.gov/documents/organization/58988.pdf>, (accessed on: 11 November 2007).
8. **Gazprom** (25 December 2009 a), "Sakhalin2", <http://gazprom.com/production/projects/deposits/sakhalin2>, (accessed on: 29 December 2009).
9. **Gazprom** (25 December 2009b), "Shtokman Project", <http://gazprom.com/production/projects/deposits/shp>, (accessed on: 29 December 2009).
10. **Gazprom** (25 December 2009c), "South Stream", <http://gazprom.com/production/projects/piplines/south-stream>, (accessed on: 29 December 2009).
11. **Gazprom** (December 2009d), "Eastern Gas Program", <http://gasprom.com/production/projects/east-programy>, (accessed on: 29 December 2009).
12. **Gazprom** (October 2009 e), "Gas Purchases in Central Asian Countries", <http://www.gazprom.com/production/central-asia>, (accessed on: 29 December 2009).
13. **Geostrategy** (12 July, 2008), "The Foreign Policy Concept of the Russian Federation", <http://www.geostrategy.gr/pdf>, (accessed on: 10 October 2009).
14. Ivanov, Vladimir I (2003), "Russia Energy Strategy 2020: Balancing Europe with the Asia Pacific Region", <http://www.erina.or.jp/en/Research/db/pdf2003/03081.pdf>, (accessed on: June 2007).
15. Kalotay, Kalman (2007), "How to Explain the Foreign Expansion of Russian Firms", **The Capco Institute**, <http://www.capco.com/files/pdf>, (accessed on: 14 September 2009).

16. Kroutikhin, Mikhail (July 2008), "Energy Policy Making in Russia: From Putin to Medvedev", **NBR Analysis**, Vol. 19, No. 2, <http://www.nbr.org/publications/analysis/pdf>, (accessed on: 4 July 2009).
17. Legvold, Robert (July 2008), "Russia's Strategic Vision and the Role of Energy", **NBR Analysis**, Vol. 19, No. 2, <http://www.nbr.org/publications/analysis/pdf>, (accessed on: 4 July 2009).
18. Loskot, Agata (April 2008), Strachota Katarzyna, Petczynska- Natecz, "Gazprom's Expansion in the Eu- Cooperation or Domination?", **Centre for Eastern Studies**, www.batory.org.pl/doc/GP_EXP_US_1.pdf, (accessed on: September 2008).
19. Mancevic, Denis (November 2006), "Russian Foreign Economic Policy to Ex Soviet States cases of Georgia and Ukraine", <http://www.idec.gr>, (accessed on: 2 June 2008).
20. Meinhart, Berit and Pavel, Ferdinand (2006), "Transporting Russian Gas to Western Europe", **The Energy Journal**, Vol. 26, No. 2.
21. Mitrova, Tatiana (20 May 2008), "Gazprom's Foreign Energy Policy", **Russian Analytical Digest**, No. 41, http://www.se2.isn.ch/service/engine/Russian_Analytical_Digest_41.pdf, (accessed on: 16 October 2008).
22. **Oil and Gas Insight** (October 2009), "Gazprom Reduces Gas Output in 2009", <http://www.oilandgasinsight.com/file/81903/gazprom-reduces-gas-output-in-2009.html>, (accessed on: 22 October 2009).
23. Socor, Vladimir (2008), "Gazprom, the Prospects of a Gas Cartel and Europe's Energy Security", <http://www.isdp.eu/files/publications/books/pdf>, accessed on: 30 January 2009.
24. **Research and Markets** (8/10/2009), "Russia Energy Industry Market Analysis and Outlook", http://www.researchandmarkets.com/Russian_energy_industry_market_analysis_pdf, (accessed on: 6 December 2009).
25. Stepanov, Alexey M (2007), "Energy Strategy of the Russian Federation to the Year 2020", http://europe.euenergy/Russia/presentations/doc/energy-strategy2020_en.pdf, (accessed on: 9 September 2008).
26. Stern, Jonathan (October 2009), "Future Gas Production in Russia", **Oxford Institute for Energy Studies**, <http://www.oxfordenergy.org/pdfs/NG35.pdf>, (accessed on: March 2010).
27. Woehrel, Steven (2 September 2009), "Russian Energy Policy Toward Neighboring Countries", <http://www.fas.org/sgp/crs/row/RL34261.pdf>, (accessed on: February 2010).



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی